

نگاهی سبک‌شناسانه به استقبالهای شاعران از یک قصیده سنایی

(ص ۲۵۲ - ۲۳۵)

احد پیشگر (نویسنده مسئول)^۱، زهرا زرعی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۸/۲۵

چکیده:

استقبال، تتبع، جواب از سنتهای رایج هنری در سرودن شعر سنتی اسلامی و بویژه در میان شعرای ایرانیست و آن نوعی سرودن شعرست به تبعیت از سرمشقی پیشین. در کتب بدیعی این موضوع عموماً در ذیل بحث از سرقات شعری طرح و از آن بحث شده است. در این مقاله کوشیده‌ایم در پاسخ به این پرسشها که آیا تتبعات و استقبالهای شاعران دارای ارزش و فواید سبک‌شناسی است و اگر چنین است این ارزشها و فواید کدامند، استقبالهای شاعران ایرانی را از یک قصیده بسیار معروف سنایی به مطلع: «مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی / از این آیین بی‌دینان، پشیمانی، پشیمانی» و نیز الگوهای احتمالی وی را در سرودن این شعر از آغاز ادب فارسی تا دوره معاصر پی‌جویی و استخراج کنیم. بررسی شعرهای تتبعی از طرفی میتواند به روشنی گرایشهای عمده هنری در میان شاعران یک عصر و به تبع آن ویژگیهای اساسی سبک دوره مذکور را نشان دهد و از سوی دیگر پی‌جویی تاریخی و بررسی نمونه‌های تتبعی در طول ادب فارسی میتواند زمینه مناسب و مهیایی را برای بررسی تحولات سبکی شعر فارسی فراهم سازد. نتیجه بسیار مهم دیگر این نوع بررسی روشن ساختن میزان اهمیت و مورد توجه و تتبع بودن یک شاعر و آثارش در تاریخ ادب فارسی است.

کلمات کلیدی:

شعر فارسی، سنایی، قصیده، غزل، شاعران، استقبال، تتبع، مضمون مشترک.

۱ - استادیار زبان و ادبیات دانشگاه محقق اردبیلی a.pishgar@live.com

۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

مقدمه:

ریکاردو زیپولی در بررسی «فنّ جوابگویی و تتبّع در شعر فارسی» به نکته مهمّی دربارهٔ ارزش سبک‌شناسی شعرهای تتبّعی (یا همان جوابها) اشاره کرده است. وی توضیح میدهد که از یکسو بررسی همزمانی شعرهای تتبّعی، گرایشهای عمدهٔ ذوقی شاعران متتبّع را در یک دورهٔ خاص مشخص میکند و از سوی دیگر بررسی درزمانی و پیگیری شعرهای تتبّعی در طول تاریخ ادب فارسی و بررسی انتقادی روابط بین الگوها و جوابها «ممکن است بر تحولات سبکی بهم وابسته و تأثیر آنها که در طیّ سالها پدید آمده است، پرتو بیفکند» (فنّ جوابگویی و تتبّع در شعر فارسی، ۴۴-۴۱).

یکی از شاعرانی که آثارش هم در دورهٔ خود وی و میان معاصرانش و هم در دوره‌های بعد و میان شاعران متأخر، بسیار مورد توجه بوده و مورد استقبال و تتبّع فراوانی قرار گرفته سنایی غزنوی (۴۲۷ - ۵۲۹ ق) شاعر صاحب سبک و برجستهٔ اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است. سنایی در جوانی و در آغاز دوران شاعری مقلّد و پیرو شاعران خراسان و سبک شعری او هم همان سبک خراسانی بوده و نشانهٔ تقلید اسلوب فرّخی و عنصری و منوچهری و مسعود سعد، جای‌جای در قصاید او به چشم میخورد.

سنایی بعد از تغییر حال و تحوّل فکری، به شاعری مبتکر و صاحب سبک تبدیل شد. طریقه و سبک خاصّ سنایی در سرودن شعر زهد و توحید، باعث شد تا سنایی از جرگهٔ شاعران مقلّد خارج شود و در ردهٔ شاعران مبدع و مبتکر قرار گیرد و دیگران را در این شیوه مقلّد خود سازد. سبک سنایی در دورهٔ بعد از تحوّل او باعث شد تا بعضی از شاعران بزرگ ادب فارسی مانند خاقانی، مجیر بیلقانی، جمال‌الدین عبدالرزاق، عطّار، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی، فخرالدین عراقی، قآنی شیرازی و ... از سبک او تبعیت کنند. بی‌گمان یکی از راههای برآورد میزان موفقیت یک شاعر و عظمت میراث هنری وی، در گسترهٔ تاریخ ادب فارسی، بررسی میزان تتبّع و استقبال شاعران دیگر از شعر وی است. گرچه این حکم میتواند به لحاظ اطلاق و کلیت، مناقشه‌پذیر باشد چنان‌که فی‌المثل نمی‌تواند جایگاه و میزان حضور یک شاعر را در ذهنیت و فرهنگ عامّهٔ مردم نشان دهد، اما شکی نیست که معیار مناسبی برای تعیین جایگاه یک شاعر و قدر میراث هنری او در خاطر اهل ادب این سرزمین است. بطور مثال میتوان از فرّخی سیستانی و خاقانی سخن گفت که گرچه شعرشان به ذهن و زبان مردم چندان راه نیافته، اما همیشه شعر و دیوانشان مطمح نظر و در افق و چشم‌انداز ذهن و ذوق اهل ادب بوده است، اما در این میان استثناها و نوابغی نیز وجود دارند که هم شعرشان از طریق امثال و حکم، حضوری فرهنگ آفرین در ذهنیت عامّهٔ مردم داشته و هم آثارشان، الگو و مثال هنری والایی برای شاعران و سخن‌شناسان و

سخن سنجان اعصار بعدی بوده و سنایی بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های چنین نوابغ هنری در تاریخ ادب ما است.

یکی از قصاید سنایی که شهرت بسیار و ساختار و مضامینی بدیع در سبک ویژه سنایی دارد و مورد استقبال و تتبع قابل توجه شاعران بعد از وی قرار گرفته، قصیده‌ای است مشهور با مطلع ذیل:

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی از این آیین بی‌دینان، پشیمانی، پشیمانی
(دیوان سنایی: ص ۶۷۸، ب ۱)

قصیده هفتاد و هفت بیتی فوق به وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» و در «بحر هزج مثنیٰ سالم» سروده شده است. مرحوم مدرّس رضوی این قصیده را جزء اشعاری میدانند که مسلماً در دوره اقامت سنایی در سرخس سروده شده است. (مقدمه دیوان سنایی: تصحیح مدرّس رضوی، ص ۷۷) و دکتر شفیع کدکنی، سروده شدن این قصیده را در «نیشابور» نیز محتمل دانسته‌اند (تازیانه‌های سلوک: ۲۱۹).

سنایی و میراث پیشینیان

در باب کلیت تأثر سنایی از میراث شاعران مقدم، در آثار سنایی پژوهان معاصر، اشاراتی وجود دارد. مرحوم دکتر صفا، شعر سنایی را در دوره پیش از تحوّل روحی و فکری «بشدت متأثر از سبک استادان مقدم بر وی از قبیل عنصری و فرّخی و مسعود سعد و علی‌الخصوص فرّخی» میدانند (تاریخ ادبیات ایران: ص ۲۷۵). مرحوم مدرّس رضوی هم، در مقدمه دیوان همین نظر را دارد، ضمن آنکه به پاره‌ای از اقتباسها و تضمینهای سنایی، با ذکر نمونه تصریح میکند، از جمله به اقتباسها و تضمینهای وی از شعر ابوحنیفه اسکافی، کیوانی، پورخطیب گنجه، مختاری، علائی، یوسف بن سعید، فردوسی، مسعود سعد و فرّخی (مقدمه دیوان سنایی: تصحیح مدرّس رضوی، صص ۸۱-۸۰) همچنین دبروین در بررسی احوال و اشعار سنایی به هنگام حضور وی در سرخس، به تأثیر شعر معزی بر آثار سنایی اشاره میکند: «در این دوران، نشانه‌هایی از تأثیر شعر معزی در آثار سنایی وجود دارد. یکی از غزلیات سنایی، حاوی عبارتی از شعر معزی است (دیوان سنایی: ص ۸۸۷، ب ۱۴) در دیوان هر دو شاعر اشعاری مشابه آمده است. این بیانگر آن است که سبک خاص این دو، دست کم در پاره‌ای موارد، کاملاً به یکدیگر، مانده است» (حکیم اقلیم عشق: دبروین، ص ۱۸۷).

اما گذشته از کلیات فوق، نویسندگان مقاله، برای یافتن الگو یا الگوهای احتمالی سنایی در سرودن قصیده «مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان، ...» تقریباً تمامی میراث شعری به جای مانده از شاعران قرن سوم تا اوایل قرن ششم را مورد مذاقه قرار داده‌اند و در جستجوی منابع و الگوهای احتمالی سنایی، آثار بیش از ۲۱۵ شاعر بی دیوان و صاحب ابیات معدود و چهارده شاعر صاحب دیوان از پیشاهنگان شعر فارسی همچون حنظله بادغیسی تا شاعران نیمه اول قرن ششم همچون عمیق بخاری (متوفی ۵۴۲ یا ۵۴۳ ه. ق) را بررسی کرده‌اند. مرجع عمده ما برای اشعار شاعران بی دیوان، کتاب «شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان در قرنهای سوم، چهارم و پنجم هجری قمری» تصحیح و تحقیق ارزشمند محمود مدبری و برای شاعران صاحب دیوان نیز، دیوانهای چاپی موجود بوده است. ارائه فهرست شاعران بی دیوان، به جهت تعداد بالای آن در اینجا مقدور نیست و در کتاب «شاعران بی دیوان» قابل ملاحظه است، اما شاعران صاحب دیوان به ترتیب عبارتند از: ۱- رودکی ۲- دقیقی ۳- کسائی مروزی ۴- فرخی سیستانی ۵- عنصری ۶- عسجدی ۷- منوچهری ۸- قطران تبریزی ۹- ازرقی هروی ۱۰- ناصر خسرو ۱۱- مسعود سعد سلمان ۱۲- مختاری ۱۳- معزی ۱۴- عمیق بخاری

ترتیب فوق مبتنی است بر فهرست «تاریخ ادبیات ایران» اثر مرحوم دکتر ذبیح الله صفا. طبیعتاً شاعرانی که آثار آنها فقط در قالب مثنوی یا رباعی و دو بیتی است، چون فخرالدین اسعد گرگانی و بابا طاهر و عمر خیام در این بررسی لحاظ نشده‌اند.

از مجموع این ۲۲۹ شاعر، هفت شاعر، از شاعران دوره طاهریان و صفاریان در قرن سومند که عبارتند از: حنظله بادغیسی، ابوسلیک گرگانی، فیروز مشرقی، محمود وراق هروی، محمد بن وصیف سگزی، بستام کورد و محمد بن مخلص سگزی. در میان ۵۸ بیت متفرق باقی مانده از این شاعران، هیچ بیت یا مصرعی در وزن و قافیه قصیده سنایی وجود ندارد و حتی شعری با وزن یکسان و قافیه متفاوت هم در اشعار ایشان دیده نمی‌شود. (شاعران بی دیوان: مدبری، صص ۱۴-۳). طبیعتاً با توجه به فقدان مدارک و نابودی عمده آثار کهن شعر فارسی، درباره سروده شدن شعری با این وزن و قافیه توسط شاعران مذکور، نمی‌توان حکمی به قطع و یقین کرد، اما با تأکید بر قید «براساس آثار بازمانده» میتوان گفت: شعری که بتواند الگوی سنایی برای تتبع و نظیره‌گویی بوده باشد، در آثار این شاعران ادوار نخست وجود ندارد. از آنجا که معمولاً آثار بازمانده از دوران خلاقیت رودکی مربوط به سه دهه آغازین قرن چهارم و عمدتاً به دوره ارتباط وی با دربار سامانی دانسته می‌شود، شعر وی را جزء آثار قرن چهارم تلقی می‌کنیم.

درمیان آثار به جای مانده از شاعران آغاز قرن چهارم تا نیمه اول قرن ششم، تنها در آثار شاعران ذیل، اشعاری با وزن و قافیه یکسان با قصیده سنایی میتوان دید:

- ۱- رودکی (متوفی ۳۲۹ ه. ق.)
- ۲- ابوالعباس ربیع (تا سال ۳۳۱ ه. ق. که مرثیه ای برای نصر بن احمد سامانی و تهنیت جانشینش نوح سروده، زنده بوده است.) (مدبری، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵)
- ۳- غزوانی لوکری (او معاصر با امیر ابوالقاسم نوح بن منصور بن نوح (۳۶۵-۳۸۷ ه. ق.) و برادرش احمد بن منصور و ابوالحسن عبدالله بن احمد عتبی وزیر معروف سامانیان بوده و آنان را مدح کرده است.) (همان، ص ۲۰۵)
- ۴- غضایری رازی (متوفی ۴۲۶ ه. ق.) (صفا، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱)
- ۵- قطران تبریزی (متوفای نیمه دوم قرن پنجم) (همان، ص ۲۳۸)
- ۶- معزی (متوفای ۵۱۸ یا ۵۲۰ ه. ق.) (همان، ص ۲۶۰)

از میان آثار شاعران فوق، قدیمیترین نمونه را باید متعلق دانست به رودکی (؟ - م ۳۲۹ ه. ق.). در اشعار باقی مانده از وی، بیتی در این وزن و قافیه وجود دارد: از او بی‌اندهی بگزین و شادی با تن آسانی به تیمار جهان دل را چرا باید که بخسانی؟ (دیوان رودکی: ص ۲۱۶)

کلمه «تن آسانی» را سنایی در قافیه قصیده خود به کار برده است (دیوان سنایی: ص ۶۸۳). بعد از رودکی، قدیمیترین شاعری که شعری در این وزن و قافیه از وی باقی مانده، ابوالعباس ربیع است که در میان شاعران قرون بعد به استادی معروف بوده چنان که منوچهری ضمن قصیده‌ای نام او را در ردیف شاعران بزرگ قبل از خود آورده:

بو العلاء و بو العباس و بوسلیک و بوالمثل آن که از ولوالج آمد آن که آمد از هری (دیوان منوچهری: ص ۱۴۰)

از ربیع دو بیت مصرع در این وزن و قافیه باقی مانده است: ندانستی تو ای خر کبج^۱ عمر لاک لامانی^۲ که با خر سنگ^۳ برناید سروزن^۴ ثور^۵ ترخانی^۶ ...

۱ - خر بریده دم
 ۲ - لاف و گزاف و دروغ
 ۳ - سنگ بزرگ و کلان
 ۴ - شاخ زن
 ۵ - گاو نر
 ۶ - منسوب به حکام ترخان

یکی از جای برجستم چنان شیبر بیابانی و عیدی برزدم چون شیر برروباہ درغانی^۱
(شاعران بی دیوان: ص ۱۳۷)

کلمه قافیه اولین مصراع شعر ربنجنی، در قصیده سنایی نیز به کار رفته:
چه سستی دیدی از سنت که رفتی سوی بی دینان چه تقصیر آمد از قرآن که گشتی گرد لامانی؟
(دیوان سنایی: ص ۶۷۹)

بیت نخست شعر ربنجنی، با اندکی تفاوت به نام غضایری رازی نیز ضبط شده است
(شاعران بی دیوان: ص ۴۶۶) در بحث از غضایری و شعر او به این مطلب خواهیم پرداخت.
آخرین نمونه شعر متعلق به قرن چهارم در این وزن و قافیه، سه بیت مصرع مدحی است
از غزوانی لوکری معاصر با امیر ابوالقاسم نوح بن منصور بن نوح (۳۶۵-۳۸۷ هـ. ق.) و
برادرش احمد بن منصور و ابوالحسن عبیدالله بن احمد عتبی وزیر معروف سامانیان و این
سه بیت در مدح همین شخص اخیر است:

عبیدالله بن احمد وزیر شاه سامانی همی تابد شعاع داد از آن پر نور پیشانی
به صورت آدمی آمد به معنی نور سبحانی خدایا چشم بد خواهم کز آن صورت بگردانی
بخارا خوش تر از لوکر خداوندا همی دانی ولیکن کُرد نشکیبید از دوغ بیابانی
(همان: ص ۲۰۶)

نکته جالب در مورد نمونه اشعار ربنجنی و لوکری گذشته از یکسانی وزن و قافیه آنها با
قصیده سنایی، این نکته است که در هر دو شعر، تمام ابیات به قول ادبا، مصرع‌اندو دارای
قافیه یکسان، سنایی نیز قصیده‌ای دارد با همین ویژگی یعنی تمام مصرع‌ها دارای قافیه‌اند:
از خانه برون رفتم من دوش به نادانی تو قصه من بشنو تا چون به عجب مانی
از کوه فرود آمد زین پیری نورانی پیداش مسلمانی در عرصه پیشانی...
(دیوان سنایی: صص ۶۶۸، ۶۶۶)

چنان که پیداست شاعرانی، چون ربنجنی و لوکری در بیش از یک قرن و نیم قبل از
سنایی، دست به این تجربه نو زده‌اند و این شاید و تنها شاید قرینه و اشاره احتمالی دیگری
باشد بر این نکته که سنایی بطور خاص به شعر و تجربه‌های هنری این دو تن نظر داشته
است و اما اگر نتوان بقطع و یقین چنین حکم خاصی داد، اما بدون شک میتوان قائل به این
حکم کلی و عمومی شد که سنایی به تجربه‌های شاعران کهن خراسان، بی توجه نبوده
است. در عین حال سابقه این تازگی در قافیه آرایسی، حداقل یک قرن و نیم عقب‌تر
خواهد رفت.

۱ - منسوب به درغان که شهری بوده است به حوالی سمرقند در ساحل جیحون

از میان شاعران قرن پنجم و اوایل قرن ششم، قدیمیترین نمونه شعر با وزن و قافیه مشترک متعلق است به غضایری رازی شاعر اوایل قرن پنجم:

ندانی ای به عقل اندر خر کبجه به نادانی که با نر شیر برناید سروزن گاو ترخانی
(شاعران بی دیوان: ص ۴۶۶)

چنان که پیش از این اشاره شد، این شعر با اندکی تفاوت در منابع کهن به نام ابوالعباس ربنجی نیز ضبط شده است و اگر چه قضاوت در مورد صحت انتساب این شعر به یکی از این دو تن بسیار مشکل می‌نماید، اما بدون این که در مقام تحقیق و اثبات این امر بر آییم و صرفاً با توجه به تقدم ربنجی، عجالاً شاید بتوان تعلق و انتساب آن را به وی قویتر دانست.

جالبترین نمونه‌ها در قرن پنجم متعلق به قطران تبریزی است. وی دو قصیده با وزن و قافیه مشترک با شعر سنائی دارد با مطلع:

ایا خوشتر زجان و دل، همه رنج دل و جانی به رنج تن شدم خرسند، اگر دل را نرنجانی
(دیوان قطران: ص ۳۵۸)

و:

ندانی درد هجر ای گل، مرا زان زار گردانی دگر زارم نگردانی به داغ هجر گر دانی
(همان، ص ۳۵۸)

گرچه قصاید فوق، به لحاظ مضمون، اشتراک و تشابهی با قصیده سنایی ندارد، اما بنابر آثار موجود، این اشعار، قدیمیترین قصاید کامل باقی مانده در این وزن و قافیه است. گرچه در قصیده نخست قطران، بعضی از مشابهتها در کلمات قافیه با شعر سنایی میتوان دید اما پاسخ به این سؤال که آیا سنایی اشعار وی را تتبع کرده یا نه بسیار سخت است. گرچه ممکن است عده‌ای را باور بر آن باشد که همانگونه که شعر امثال منجیک و دقیقی بنا به تصریح ناصر خسرو در «سفرنامه» به دست قطران رسیده بوده است، (سفرنامه ناصر خسرو: دبیر سیاقی، ص ۹) بعید نیست که شعر وی نیز به خراسان راه یافته و به نظر شاعران آن خطه از جمله سنایی رسیده باشد. اما با این حال میتوان احتمال دیگری نیز مطرح کرد و آن اینکه تجربه شاعران کهن خراسان همچون نمونه‌هایی که پیش از این از رودکی و ربنجی و غزوانی لوکری در همین نوشته، نقل شد، میتواند الگوی مشترکی برای قطران و سنایی بوده باشد. نهایتاً اثبات هر یک از دو فرض مذکور، بطور قطعی و یقینی اینک و با آثار موجود، تقریباً غیر ممکن می‌نماید.

در اینجا باید این نکته را هم یادآوری کنیم که از میان تمامی شاعران بررسی شده در این تحقیق، قطران تبریزی بیشترین شعر را هم در این وزن و البته با قوافی مختلف سروده است یعنی سی و دو قصیده و ترجیع بند.

آخرین نمونه، از الگوهای احتمالی سنایی، قصیده‌ای است چهل بیتی از امیر معزی با مطلع: نگارا ماه گردونی، سوارا سرو بستانی دل از دست خردمندان به ماه و سرو، بستانی (دیوان معزی: صص ۶۳۲-۶۳۱)

پیش از این به نظر دبروین مبنی بر تأثیرپذیری سنایی از شعر معزی در همین نوشته اشاره کردیم لیکن در قصیده مذکور هیچ نوع مشابهت معنیداری نمیتوان دید مگر مشابهتی صرفاً صوری در وزن و قافیه. نهایتاً اگر از فهرست شاعران ششگانه فوق، شعر غضایری رازی را به دلایل پیش گفته و شعر قطران تبریزی را به دلیل بعد مسافت و نزدیکی تقریبی دوره حیات وی با سنایی، کنار بگذاریم می‌توانیم از آثار شاعران کهن خراسان یعنی رودکی، ربنجی، غزوانی لوکری و نیز شاعر معاصر سنایی، امیر معزی به عنوان الگوهای احتمالی سنایی در سرودن قصیده معروف خود، یاد کنیم. گرچه پیش از این هم گفتیم که این احتمال درباره قطران نیز کاملاً منتفی نیست.

موارد استقبال و تتبع شاعران از قصیده سنایی

۱- خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ هـ.ق.) قصیده‌ای ۸۹ بیتی در «تحقیق و موعظه و حکمت و مرثیه امام ناصرالدین ابراهیم» بر وزن و قافیه و مضمون قصیده سنایی دارد با مطلع:

نثار اشک من هر دم شکر ریزی است، پنهانی که همت را، ز ناشویی است از زانو و پیشانی
(دیوان خاقانی: صص ۶۱۲، ب ۱)

خاقانی در قصیده فوق بخشی از مضامین و ترکیبات قصیده سنایی را آورده است؛ نمونه‌های ذیل را میتوان از موارد تتبع و تشابه دانست. خاقانی گوید:

از آن در حلقه آدم خشن خوبی که در باطن مرقع دار ابلیسی، ملامت کار شیطانی
(همان: صص ۶۱۶، ب ۵۷)

سنایی:

مسازید از برای نام و دام و کام چون غولان جمال نقش آدم را نقاب نفس شیطانی
(دیوان سنایی: صص ۶۷۸، ب ۷)

خاقانی :

عمارت دوست شد طاووس، از آن پای گلین دارد ولیکن سر بزرگی یافت بوم، از بوم ویرانی
(دیوان خاقانی : ص ۶۱۷ ، ب ۶۷)

سنایی :

ز مردان شکسته مرد خسته کم شود زیراً که سگ آنجاست کباب است ، گنج آنجا که ویرانی
(دیوان سنایی : ص ۶۸۲ ، ب ۳۹)

تلمیح به مضامین و مفاهیم قرآنی و نام و داستان پیامبران و اولیاء و صحابه از دیگر
موارد تشابه شعر خاقانی با قصیده سنایی است ؛ از جمله :

علی را گو که غوغای حوادث کشت عثمان را علی وار، از جهان بگسل، که ماتم دار عثمانی
وحید ادريس عالم بود و لقمان جهان اما چو مرگ آمد چه سودش داشت ادريسي و لقمانی ؟
(دیوان خاقانی : ص ۶۱۹ ، ابیات ۸۸-۸۷)

۲- شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (وفات ۶۱۷ یا ۶۱۸ هـ.ق.) قصیده ای ۵۴ بیتی با

این وزن و قافیه و مضمون دارد با مطلع:

الا ای یوسف قدسی برای از چاه ظلمانی
به مصر عالم جان شو که مرد عالم جانی
(دیوان عطار: ۸۲۸، ب ۱)

عطار در قصیده فوق بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده سنایی را اقتباس کرده است
و حتی مصراع دوم مطلع عطار ، تضمین گونه ای از مصراع دوم این بیت سنایی است :
در این کو پاره چون گردی بر آخور چون خر عیسی به سوی عالم جان شو که چون عیسی همه جانی
(دیوان سنایی: ۶۸۰، ب ۲۰)

عطار در قصیده خود مثل سنایی به عقل و فلاسفه میتازد و تنها راه رهایی را دین و
ایمان میداند:

چو یونان آب بگرفتست خاک راه یثرب شو که یک چشمان این راهند ره بینان یونانی
دلا تا کی در آویزی گهر از گردن خوکان برو انگشت بر لب نه که در انگشت رحمانی
(دیوان عطار: ۸۳۲ ، ابیات ۴۰-۳۹)

سنایی در این مورد گوید :

شراب حکمت شرعی خورید اندر حریم دین که محرومند از این عشرت هوس گویان یونانی
(دیوان سنایی: ۶۷۸ ، ب ۶)

یا:

برون کن طوق عقلانی به سوی ذوق ایمان شو چه باشد حکمت یونان به پیش ذوق ایمانی
(همان: ۶۷۹، ب ۱۶)

۳- مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی (۶۰۴-۶۷۲ هـ.ق.) سه غزل بر وزن و قافیه

و مضمون قصیده سنایی و عطار دارد که اولی غزلی است هشت بیتی با مطلع:

مرا آن دلبر پنهان همی گوید به پنهانی به من ده جان، به من ده جان، چه باشد این گرانجانی؟
(کلیات شمس: ۱۲۷۹، ب ۱)

در این غزل، مصراع دوم بیت پنجم مولوی تضمینی از مصراع اول بیت مطلع سنایی است: سراندازان، سراندازان، سراندازی، سراندازی مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان (همان: ۱۲۷۹، ب ۵)

دومین غزل مولوی دارای نه بیت است با مطلع:

شنیدم کاشتری گم شد ز کردی در بیابانی بسی اشتر بجست از هر سوپی کرد بیابانی
(همان: ۱۳۰۰، ب ۱)

مولوی غزل فوق را بر وزن و قافیه قصیده سنایی سروده، اما در سرودن این غزل بی شک به قصیده عطار نیز با مطلع زیر توجه ویژه‌ای داشته است:

الا ای یوسف قدسی برای از چاه ظلمانی به مصر عالم جان شو که مرد عالم جانی
(دیوان عطار: ۸۲۸، ب ۱)

غزل سوم دارای دوازده بیت است با مطلع:

الا ای یوسف مصری، از این دریای ظلمانی روان کن کشتی وصلت، برای پیر کنعانی
(همان: ۱۳۰۸، ب ۱)

شاعر در این غزل نیز بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده عطار را آورده است.

۴- سیف‌الدین اسفرنگی (۶۷۲-۵۸۱ هـ.ق.) قصیده‌ای بیست بیتی دارد با مطلع:

خرد را با خیال او تماشایی است روحانی که آنجا در نمی‌گنجد خیال نفس انسانی
(تذکره هفت اقلیم: ج ۳، ص ۱۶۲۷)

شاعر در سرودن قصیده فوق از قصاید سنایی و خاقانی متأثر شده است. در قصیده سیف‌الدین اسفرنگی نیز مثل قصیده سنایی بعضی از تعبیرات فلسفی از قبیل «علم یونانی» و غیره آمده است:

ستوده بوالمکارم آن که چون حیدر براندازد نقاب شک به برهان از جمال علم یونانی
(همان: ۱۶۲۸، ب ۱۳)

همچنین سیف‌الدین اسفرنک در قصیده خود مثل سنایی و خاقانی نام بعضی از پیامبران و تلمیحات و مضامین و مفاهیم قرآنی را آورده است. شاعر در سرودن قصیده خود، علاوه بر قصیده سنایی از قصیده خاقانی نیز متأثر شده است.

۵- فخرالدین عراقی (۶۱۰-۶۸۸ ه.ق.) قصیده‌ای هفتاد و یک بیتی بر وزن و قافیه و

مضمون قصیده سنایی دارد با مطلع:

دلا در بزم عشق یار، هان تا جان برافشانی که با خود در چنان خلوت ننگجی گر همه جانی
(مجموعه آثار فخرالدین عراقی: ۲۶، ب ۱)

فخرالدین عراقی در قصیده خود بسیاری از مضامین قصیده سنایی را آورده است، حتی
مصراع اول بیت مطلع قصیده سنایی را تضمین کرده است:
تو را آن به که با جان و روان گویی سنایی وار «مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی»
(همان: ص ۳۹، ب ۷۱)

فخرالدین عراقی مثل سنایی به عقل و فلاسفه میتازد و تنها راه رهایی را «ذوق ایمانی»
و دین و ایمان میداند:

برون از شرع هرراهی که خواهی رفت گمراهی خلاف دین هر آن علمی که خواهی خواند شیطانی
ز صرافان یونانی دغـل مستـمان که قلابند ندارد قلبشان سگه ز دارالضرب ایمانی
(همان: ص ۲۹، ب ۱۶-۱۵)

۶- خواجه کرمانی (۶۸۹-۷۵۳ ه.ق.) قصیده‌ای هفتاد و یک بیتی بر این وزن و

قافیه و مضمون دارد با مطلع:

الا ای لعبت قدسی بیار آن راح ریحانی که با روح القدس مارا سماعی هست روحانی
(دیوان خواجه کرمانی: ۱۲۴، ب ۱)

شاعر در قصیده خود بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده سنایی را آورده است. علاوه
بر موارد فوق شاعر همانند سنایی بعضی از تعبیرات فلسفی از قبیل «حکمت یونانی» و
«نفس هیولانی» را در قصیده خود آورده است.

۷- خواجه حسام الدین رستم خوریانی (متوفی ۸۳۴ ه.ق.) قصیده‌ای با این وزن و

قافیه دارد که دوازده بیت آن در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» اثر دکتر ذبیح الله صفا آمده
است با مطلع:

چو بنهاد آسمان از سر مرصع تاج سلطانی فراغت یافت شاه انجم از نظم جهانبنایی
(تاریخ ادبیات در ایران: ج ۴، ص ۲۲۲، ب ۱)

شاعر در قصیده خود مثل قصیده سنایی بعضی از تعبیرات فلسفی از قبیل «حکمت
یونانی» را آورده است:

چو نطق عیسوی داری به رفعت برتر از چرخ چو هستت حکمت یونان به دولت به ز یونانی
(همان: ۲۲۲، ب ۹)

۸- فصیحی هروی (متوفی ۱۰۴۹ ه.ق.) قصیده‌ای هشتاد و هشت بیتی در نکوهش اهل ریا و ستایش علی بن موسی الرضا (ع) دارد با مطلع:

دلم بگرفت ز آیین ریا پوشان پالانی
روم از کاروان ناله دزدم دلق عریانی
(دیوان فصیحی: ۴، ب ۱)

شاعر در قصیده خود بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده سنایی را آورده است. در قصیده فصیحی هروی نیز مثل قصیده سنایی بعضی از تعبیرات فلسفی از قبیل «حکمت یونانی» و «عقل کلّ» و غیره آمده است.

۹- نورالدین محمد شریف کاشانی (۱۰۶۳-۱۱۲۳ ه.ق.) متخلص به نجیب و نجیبا قصیده‌ای نود بیتی در تهنیت وزارت اعظم و حیدالزمانی دارد با مطلع:

بیا ساقی که نوشد باز دستور جهانبانی
به سنگ آمد می تشویش را مینای حیرانی
(دیوان نجیب کاشانی: ۵۷۸، ب ۱)

شایان ذکر است که نجیب کاشانی در سرودن قصیده فوق به قصاید سنایی و خاقانی توأماً توجه داشته است و مثل سنایی بعضی از تعبیرات فلسفی از قبیل "حکمت یونانی" و غیره را در قصیده خود آورده است:

همان ساقی که پنهان در حباب باده جامش
به حکمت خم نشین گردیده افلاطون یونانی
(همان: ۵۷۹، ب ۷)

۱۰- میرزا تقی معروف به صاحب مازندرانی (متوفی ۱۲۵۶ ق) قصیده‌ای بیست و دو بیتی در مواعظ و نصایح و معارف دارد با مطلع:

به پهنای جهان در دل مرا دردی است پنهانی
اگر آگه شود از وی جهان و بیم ویرانی
(مجمع الفصحا: ج ۲، بخش ۲، ۹۶۴، ب ۱)

شاعر در قصیده خود بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده سنایی را آورده است؛ از جمله: مسلمانان بمرده است ای مسلمانان نمیدانم مسلمانان که تا با وی بگریم بر مسلمانان
(همان: ص ۹۶۶، ب ۲۱)

بیت فوق، هم‌مضمون با بیت دوم قصیده سنایی است:

مسلمانی کنون اسمی است بر عرفی و عاداتی
دریغا کو مسلمانی، دریغا کو مسلمانی؟
(دیوان سنایی: ص ۶۷۸، ب ۲)

۱۱- همای شیرازی (۱۲۱۲-۱۲۹۰ ه.ق.) قصیده‌ای شصت و چهار بیتی در «موعظت و نصیحت و مرثیت» دارد با مطلع:

چه جویی ای دل نادان بقا از عالم فانی
که از فانی وفا جستن نباشد غیر دانایی
(دیوان همای شیرازی: ص ۵۴۹، ب ۱)

همای شیرازی در سرودن قصیده خود به قصاید سنایی و خاقانی نظر داشته است :
ز ناکامی منال اکنسون که کام آید ز ناکامی به درویشی بساز ایدون که درویشی است سلطانی
(همان : ص ۵۵۲ ، ب ۳۴)

بیت فوق، هم‌مضمون با بیت زیر از خاقانی است :
پس از سی سال روشن گشت بر خاقانی این معنی که سلطانی است درویشی و درویشی است سلطانی
(دیوان خاقانی : ص ۴۱۴ ، ب ۷۳)
به دارالملک جان زد خیمه آن شاهی به دارایی که اندر چاه تن مانند یوسف بود زندانی
(دیوان همای شیرازی : ص ۵۵۳ ، ب ۵۱)

بیت فوق از همای شیرازی ، هم مضمون با بیت زیر از سنایی است :
اگر خواهی که چون یوسف به دست آری دو عالم را در ایمن تاریکی زندان چو یوسف باش زندانی
(دیوان سنایی : ص ۶۸۱ ، ب ۳۱)

در قصیده همای شیرازی نیز مثل قصیده سنایی بعضی از تعبیرات فلسفی از قبیل
«حکمت یونانی» و غیره آمده است ؛ از جمله :

یکی در حضرتش دربان هزاران قصیر و خاقان یکی در مجلسش تلمیذ صد دانای یونانی
(دیوان همای شیرازی : ص ۵۵۳ ، ب ۵۸)

۱۲- قآنی شیرازی (۱۲۲۲-۱۲۷۲ ق) دو قصیده با این وزن و قافیه و مضمون دارد
که اوّلی دارای چهل و چهار بیت با مطلع:

اگر هرکس نماید میش را در عید قربانی منت قربان نمایم خویش را ای عید روحانی
(دیوان قآنی: ۶۴۰ ، ب ۱)

در قصیده قآنی نیز مثل قصیده سنایی تعبیرات فلسفی از قبیل «حکمت یونانی» و
«طبع هیولانی» قابل ملاحظه است:

دلی آور به کف صافی کت آید در زمان کافی چو دونان چند میلافی به حکمت‌های یونانی
(همان: ۶۴۱، ب ۱۶)

یا:

مرا زین تندرستی هر زمان سستی پدید آید ازین ارکان ترکیبی وزین طبع هیولانی
(همان: ۶۴۱، ب ۲۸)

قصیده دوم دارای ۱۹۲ بیت در مدح خاتم انبیا محمد مصطفی و امام عصر (عج) و
ستایش محمد شاه غازی و جناب حاجی میرزا آقاسی است با مطلع:

بُود این نکته در حکمت سرای غیب برهانی که در جانان رسی آنکه که از جان غیب برهانی
(همان: ۶۵۱، ب ۱)

شاعر در سرودن قصیده خود از قصیده سنایی متأثر شده است،

به ترک خمر گوی و درک امر طاعت حق کن که قرب روح و ریحان به ز شرب راح ریحانی
(دیوان قآنی: ص ۶۵۱، ب ۶)

بیت فوق هم مضمون با بیت سی و دوم قصیده سنایی است:

ورت باید که همچون صبح، بی خود دم زنی با حق صبوحی را شرابی خواه روحانی نه ریحانی
(دیوان سنایی: ص ۶۸۱، ب ۳۲)

۱۳- وقار شیرازی (۱۲۳۲-۱۲۹۸ ه.ق.) دو قصیده بر این وزن و قافیه و مضمون دارد

که اولی قصیده ای پنجاه و نه بیتی است با مطلع:

کجا آید برون از عهده کلک و طبع انسانی که گوید شکر یک نعمت ز نعمتهای یزدانی
(دیوان وقار شیرازی: ص ۸۲۰، ب ۱)

در قصیده وقار نیز بعضی از تعیرات فلسفی از قبیل «حکمت یونانی» و غیره را میتوان دید:
پزشکی مرحبا امی ولی از حکمت و دانش زده یک سر خط بطلان به حکمتهای یونانی
(همان: ص ۸۲۱، ب ۲۵)

قصیده دوم وقار دارای بیست و سه بیت است با مطلع:

جهانی متفق رایند کاندر مملکت رانی نمی آید به غیر از ناصرالدین شه جهانبانی
(همان: ص ۸۲۴، ب ۱)

در این قصیده هم نمونه‌هایی از ترکیبات فلسفی و نیز تلمیحات داستانی دیده میشود؛ از جمله:
به نزد شوکتش سهل است شوکتهای جمشیدی به پیش دانشش چهل است حکمتهای یونانی
(همان: ص ۸۲۴، ب ۲)

۱۴- داوود طیب زاده (ولادت ۱۳۲۱ شمسی) متخلص به «طیب» و معروف به «طیب

مشگینی» قصیده‌ای ده بیتی بر وزن و قافیه و مضمون قصیده سنایی با عنوان «توفیقات
رتانی» دارد با مطلع:

در این زندان تاریکی، چه؟ یوسف‌هاست زندانی بیا کز فیض او هر دم، چه؟ روشن گشت پیشانی
(دیوان طیب مشگینی: ص ۳۸۹، ب ۱)

بیت فوق هم مضمون با بیت زیر از سنایی است:

اگر خواهی که چون یوسف بدست آری دو عالم را در این تاریکی زندان چو یوسف باش زندانی
(دیوان سنایی: ص ۶۸۱، ب ۳۱)

یا:

گلستانی تو پهناور بساط باغ دین بینی که چشم و دل بیماری به توفیقات رتانی
(دیوان طیب مشگینی: ص ۳۸۹، ب ۷)

هم مضمون با بیت زیر از سنایی است:

هر آن کوگشت پروده به زیر دامن خذلان گریبان گیر او ناید دمی توفیق ربّانی
(دیوان سنایی : ص ۶۷۹ ، ب ۱۱)

نتیجه :

- ۱- اولین نمونه‌های شعر فارسی در وزن و قافیه قصیده سنایی بنابر شواهد و منابع موجود مربوط به اوایل قرن چهارم است.
 - ۲- از شعر شش شاعر در فاصله آغاز قرن چهارم تا اوایل قرن ششم یعنی رودکی ، ابوالعباس ربنجی ، غزوانی لوکری ، غضایری رازی ، قطران تبریزی و امیر معزی میتوان به عنوان الگوهای احتمالی سنایی در سرودن قصیده مذکور نام برد.
 - ۳- مشابهت قصیده سنایی با اشعار شش شاعر فوق تنها از جهت صورت (= وزن و قافیه) بوده و وی در خلق مضامین قصیده خود ، مبدع و مبتکر است.
 - ۴- نگاهی به عصر حیات ، نوع و قالب شعری و تعداد آثار متتبعین از قصیده «مسلمانان» ، مسلمانان ، مسلمانی ، مسلمانی» سنایی ، بیانگر این مورد است که در ادب فارسی چهارده شاعر از قصیده سنایی استقبال کرده‌اند و در مجموع هجده شعر بر وزن و قافیه و مضمون قصیده سنایی سروده‌اند که بیشترین تتبع از قصیده سنایی پانزده مورد در قالب قصیده و کمترین آن سه مورد در قالب غزل از سوی مولوی بوده است.
 - ۵- مشاهده آثار متتبعین از قصیده سنایی گویای این مطلب است که بیشترین تتبع در قرن‌های ششم و هفتم (پنج مورد) و قرن سیزدهم (چهار مورد) بوده است. قرن‌های ششم و هفتم ، قرن‌های تعالی و ترقی ادبیات زهد و وعظ و شعر عرفانی با نمایندگان برجسته‌ای چون خاقانی ، عطار ، مولوی و فخرالدین عراقی است . کسانی که به روایت آثارشان و نیز به تصریح محققان همگی به شعر و کلام سنایی ، توجه ویژه و در تتبع طریق او عنایت خاص داشته‌اند .
- تقلید و تتبع شاعران عارف قرن هفتم بخصوص عطار و مولوی از قصیده سنایی ، شاهد دیگری است بر این نکته پذیرفته شده در میان محققان شعر و ادب عرفانی ایران که شعر این سه تن در واقع سه مرحله از آغاز تا کمال شعر عرفانی فارسی است .
- دلیل افزایش تعداد متتبعان در قرن سیزدهم نیز روشن است : این دوره ، دوره شاعران بازگشت ادبی است ؛ دوره ای که تتبع و تقلید شاعران از شعر استادان کهن و از جمله خود سنایی ، شاخصترین ویژگی و در عین حال وجه تسمیه این مکتب است.

۶- نقد فلسفه یونانی و ترجیح «ذوق ایمانی» بر آن ، عمده ترین مضمون مشترک در نظیره‌های شاعران صوفی بعد از سنایی است . این دسته از نظیره‌گویان ، در مضامین شعر خود شدیداً تحت تأثیر معانی و مضامین قصیده سنائید .

۷- عده‌ای از شاعران، بیواسطه از قصیده سنایی استقبال کرده‌اند و عده‌ای نیز با واسطه از شعر او متأثر شده‌اند . یعنی اینکه شاعری نه مستقیماً از قصیده سنایی بلکه از شعر شاعری که او به نوبه خود متأثر از قصیده سنایی بوده ، تأثیر پذیرفته باشد و یا هر دو نمونه پیشین را پیش چشم و منظور خاطر داشته است . نمونه‌های بارزی از این موضوع را فی المثل در مورد «سنایی ، عطار ، مولانا» و یا «سنایی ، خاقانی ، خواجوی کرمانی» و نیز شاعران دوره بازگشت که بنظر میرسد هم به شعر سنایی و هم به شعر خاقانی توجه داشته‌اند ، میتوان دید .

۸- مشاهده تعداد ابیات شاعران استقبال کننده از قصیده هفتاد و هفت بیتی سنایی ، بیانگر این مطلب است که تعداد ابیات اشعار چهار شاعر یعنی خاقانی ، فصیح هروی ، نجیب کاشانی و قانانی شیرازی بیش از تعداد ابیات قصیده سنایی است .

فهرست منابع :

- ۱- قرآن کریم (۱۳۸۵) ، مترجم آیت الله مشکینی ، انتشارات الهادی ، قم ، چاپ دوم .
- ۲- امین احمد رازی (۱۳۷۸) ، تذکره هفت اقلیم ، تصحیح ، تعلیقات و حواشی سید محمدرضا طاهری ، نشر سروش ، تهران ، چاپ اول .
- ۳- خاقانی شروانی (۱۳۷۵) ، دیوان ، ویراسته دکتر میرجلال الدین کزازی ، نشر مرکز ، تهران ، چاپ اول .
- ۴- خلیلی ، خلیل الله (۱۳۸۵) ، دیوان ، به کوشش محمد کاظم کاظمی ، نشر عرفان ، تهران ، چاپ اول .
- ۵- خواجوی کرمانی (بی تا) ، دیوان ، با مقدمه مهدی افشار ، انتشارات ارسطو ، تهران .
- ۶- دبروین (۱۳۷۸) ، حکیم اقلیم عشق ، ترجمه مهیار علوی مقدم و محمدرضا مهدوی ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد ، چاپ اول .
- ۷- رودکی (۱۳۷۳) ، دیوان ، به کوشش جهانگیر منصور ، انتشارات ناهید ، تهران ، چاپ اول .
- ۸- زیپولی ، ریکاردو (۱۳۷۴) ، «فن جواب‌گویی و تتبع در شعر فارسی» ، نامه فرهنگستان ، سال اول ، ش ۲ ، ص ۳۰ - ۴۸ .
- ۹- سلمان ساوجی (۱۳۷۱) ، دیوان ، با مقدمه و تصحیح استاد ابوالقاسم حالت ، به کوشش احمد کریمی ، سلسله نشریات ما ، تهران ، چاپ اول .

- ۱۰- سنایی غزنوی (۱۳۶۲)، دیوان، به سعی و اهتمام مدرّس رضوی، انتشارات سنایی، تهران، چاپ سوّم.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، تازیانه‌های سلوک، انتشارات آگاه، تهران، چاپ اوّل.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ایران (خلاصه ی جلد اوّل و دوّم)، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ هیجدهم.
- ۱۴- طیب مشگینی (۱۳۸۹)، دیوان قصاید، نشر تکا (توسعه ی کتاب ایران)، تهران، چاپ اوّل.
- ۱۵- عطّار نشابوری (۱۳۶۲)، دیوان، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوّم.
- ۱۶- عطّار (۱۳۸۳)، منطق الطّیر، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، چاپ اوّل.
- ۱۷- فخرالدین عراقی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، به کوشش دکتر نسرین محتشم، انتشارات زوّار، تهران، چاپ اوّل.
- ۱۸- فروزانفر، بدیع الزّمان (۱۳۶۹) سخن و سخنوران، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ چهارم.
- ۱۹- فرید اصفهانی (۱۳۸۱)، دیوان، به اهتمام و تصحیح دکتر محسن کیانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۰- فصیحی هروی (۱۳۸۳)، دیوان، با مقدمه دکتر محمد دهقانی، به اهتمام دکتر ابراهیم قیصری، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۱- قانّی شیرازی (۱۳۶۳)، دیوان، با مقدمه و تصحیح ناصر هیّری، انتشارات ارسطو، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۲- قطران تبریزی (۱۳۶۲)، دیوان، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۳- قبولی هروی (۱۳۸۶)، دیوان، به کوشش یحیی خانمحمد آذری، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۴- مدّبری، محمود (۱۳۷۰)، شاعران بی دیوان، نشر پانوس، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۵- مظفّر شیرازی (۱۳۷۵)، دیوان، با مقدمه و بازنگری دکتر منصور رستگار فسائی، انتشارات کویر، شیراز، چاپ سوّم.
- ۲۶- معزی (۱۳۸۵)، کلیّات، به تصحیح محمد رضا قنبری، انتشارات زوّار، تهران، چاپ اوّل.
- ۲۷- منوچهری (۱۳۵۶)، دیوان، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، انتشارات زوّار، تهران، چاپ چهارم.
- ۲۸- مولوی بلخی (۱۳۸۱)، کلیّات شمس، به کوشش و توضیحات دکتر توفیق سبحانی، نشر قطره، تهران، چاپ اوّل.

- ۲۹- ناصر خسرو (۱۳۶۹)، سفرنامه به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، انتشارات زوآر، تهران، چاپ سوّم.
- ۳۰- نجیب کاشانی، نور ابن محمد حسین (۱۳۸۲)، کلیّات، مصححان: اصغر دادبه و مهدی صدری، مرکز نشر میراث مکتوب، تهران، چاپ اوّل.
- ۳۱- وقار شیرازی (۱۳۸۳)، دیوان، با مقدمه دکتر ماهیار نوّابی، به تصحیح داریوش کاظمی، چاپ اوّل.
- ۳۲- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۲)، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوّم.
- ۳۳- همای شیرازی (۱۳۶۳)، دیوان، به کوشش احمد کرمی، سلسله نشریات ما، تهران، چاپ اوّل.